

به نام خداوند جان و خرد

جمهوری اسلامی و چالش های پیش رو

شهادت ۳۰ تیر حتی بدون فراخوان و دعوت عام بر نمیتابد و از آن ممانعت به عمل می آورد.

۳- بحران اقتصادی ناشی از کاهش تولید و عدم سرمایه گذاری و کار آفرینی که به طور عمده پی آمد مواضع سیاسی نادرست حاکمیت است البته سوء مدیریتتها و فساد مالی و ندانم کاری ها و بردن ثروت های ملی به راه های ناصواب از عوامل دیگر ایجاد بحران در اقتصاد کشور است آشفتگی اقتصادی سبب بیکاری و فقر فزاینده، گرانی و تورم روزافزون همراه با رکود اقتصادی کم سابقه شده است و دولت حاکم این رکود و فلج اقتصادی را می خواهد کنترل تورم قلمداد نماید. دولت هیچ اراده استواری در اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها که خود مقدم به آن بوده است ندارد و تا کنون چند نوبت آن را به تعویق انداخته و در بلاتکلیفی مطلق به سر می برد و معلوم نیست با اعمال تحریم های اقتصادی که از طرف سازمان ملل متحد و دولت آمریکا و اتحادیه اروپا و دیگران برای ایران در نظر گرفته شده وضعیت اقتصادی کشور و سطح زندگی مردم تا کجا سقوط خواهد کرد.

۴- بحران قانون گریزی و بی اعتنائی به قانون اساسی پدیده ایست که هر روز شاهد آنیم. هیئت حاکمه جمهوری اسلامی که خود متولی قانون اساسی با تمام نواقص آنست و علی القاعده باید حداقل خودش حرمت آن را نگهدارد، خودش آن را در موارد عدیده نقض می نماید. حداقل موازین دموکراسی که استقلال قوای سه گانه است توسط صاحبان قدرت نادیده انگاشته می شود. مصوبات مجلس توسط قوه اجرائیه کشور اجرا نشده و به آنها بی اعتنائی می شود. از طرف دیگر مجلس آن گونه مجلسی است که مصوبه قطعی خود را در ظرف چند روز لغو می کند. دستگاه قضائیه از استقلال یک دستگاه قضائیه مستقل بسیار فاصله دارد. این عدم استقلال به ویژه در دادگاه های انقلاب و در مورد متهمین سیاسی بسیار پر رنگ تر به چشم می خورد در مورد متهمین سیاسی دستگاه قضائیه زیر جنبه نفوذ و فشار دستگاه های اطلاعاتی امنیتی و تحت فرمان قوه مجریه قرار دارد. خلاصه آنکه در دایره تنگ خودی های باقیمانده درون نظام نیز کشمکش و تضاد و نزاع قدرت مشهود است. سرانجام این تنش ها و عواقب این چالش هائی که مقابل رژیم قرار دارد به کجا خواهد انجامید؟

حاکمیت جمهوری اسلامی در شرایط کنونی و در سی و دومین سال تشکیل شدن و به قدرت رسیدن خود با چالش های عدیده ای روبرو است که برخی از جدی ترین آنها از این قرار است:

۱- بحران سیاست خارجی و کشمکش با جامعه جهانی بر سر انرژی هسته ای که معالایه به صدور قطع نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد و آغاز تحریم های بین المللی علیه ایران منجر گردیده است و بدنبال قطع نامه شورای امنیت، دولت آمریکا و کشورهای اروپائی و برخی کشورهای دیگر به طور جداگانه نیز تحریم هائی را برای ایران در نظر گرفته اند. بدیهیست که بی تدبیری و بدرفتاری و دشمن تراشی های بی مورد و ارزیابی های سیاسی نادرست حاکمان جمهوری اسلامی در بیدایش این بحران نقش چشم گیری ایفا کرده است و انطور که آثار و قرائن نشان می دهند این بحران رو به صعود است و ظاهرا چشم انداز روشنی در فروکش کردن آن در افق دیده نمی شود. پرواضح است که افزایش این تنش ها در جهت حفظ منافع ملی ایران و حفظ استقلال و تمامیت ارضی این سرزمین نیست و ممکن است لطمات و صدمات جبران ناپذیری را متوجه منافع و حتی کیان ملی ایران نماید.

۲- چه صاحبان قدرت بپذیرند و چه نپذیرند بحران مشروعیت و مقبولیت از مهمترین چالش های موجود در مقابل آنهاست. امروز در هر کجا که حتی دو فرد ایرانی کنار هم بنشینند ماجرای سرکوبها و خشونتها و آنچه در زندانها و خیابانها، در بازارها و دانشگاه ها روی داده و می دهد اولین گفتگوی منتقدانه ایست که بین آنها در و بدل می گردد اگر در سالهای گذشته تنها فعالان سیاسی و دگراندیشان زبان به اعتراض و انتقاد می گشودند و هزینه آن را می پرداختند از یک سال قبل اعتراض به نبودن آزادیها و پایمال شدن حقوق ملت جنبه عمومی و گسترده یافته و توده های وسیعی از مردم در این اعتراضات شرکت می کنند اجتماعات چند میلیونی مردم در اعتراض به نتیجه آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته نمونه بارز این واقعیت است. بدلیل همین بحران مقبولیت است که حاکمیت جمهوری اسلامی از دادن مجوز قانونی برای اجتماعات مردمی بیمناک است و آزادی احزاب و مطبوعات و سایر آزادیهای ملت را نادیده انگاشته و فقط به سیاست سرکوب و اعمال خشونت فزاینده روی آورده است تا جائیکه حضور اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران را بر سر مزار

نقض فاحش حقوق بشر در جمهوری اسلامی

خشونت باز تر همراه می آورد. برخورد و ملامت با سرگرازی مراسم یادبود روزهایی چون سی ام تیر، چهارده اسفند تصمیم دیگری است که ششورای امنیت ملی گرفته و نیروهای انتظامی مجری آنند. مرخصی آمدن زندانی را که آئین نامه های مشخص دارد با وثیقه های بسیار سنگین چند صد میلیون و گاه میلیاردی همراه می کنند که عملارتزندی تاوان از حق خود استفاده نماید در فشاری یا خانواده زندانیان در نقایق که پس از مدتهای امیدآواره ملاقات در پشت میله ها داده اند. نقض آشکار حقوق اساسی است. در حالیکه براساس قوانین جاری در زندانهای ایران تنها برای انتقال مجرمین خطوط آکاز دستبند و پابند باید استفاده شود. اکثر زندانیان دگراندیش را برای برخن به دادگاه دست بند می زنند و در مواردی زندانی سیاسی را با دستبند و پابند به دادگاه می آورند که همراه با اعتراض شدید زندانی در بند و وکیل ایشان شده است. آمر دقیقسی از تعداد زندانیان عقیدتی در سراسر ایران منتشر نشده است اما می دانیم که هر حکم زندان تهدیدی است بر دوام خانواده زندانی. در خانواده های کزگران زندانی که بازندانی شدن سرپرست خانواده حقوق او قطع می شود فقر بسیاری از خانواده ها را به طلاق کشنده است و آمر طلاق بالاست و این بیگانه آن است که فقط فرد زندانی نیست که برای داشتن عقیده ای مغفولت باقر قدرت نشستگان باید زندان را تحمل کند بلکه خانواده او هم محکوم به ناشی هستند. مجمع بین المللی حقوق بشر باها و باها بر این امر اعتراض نموده اند اما کسی را پاسخگو نمی بینند و هر روز خیر از وضع اسفنازتر زندانیان سیاسی است. سخت شدن شرایط داخل زندان از نظر غذا، بهداشت و هم بند بودن بازندان غیر عقیدتی و سیاسی و طبقه بندی نگران زندانیان سیاسی است. عقیدتی با دیگران گاه آنچنان طاققت فرسامی شود که زندانی اقدام به اعتصاب غذایی کند. ولی آنچه باید بدانیم این است که هر اندازه خشونت و فشار در جامعه بازندانی کردن دگراندیشان فرونی یلبدین بست های جامعه بیشتر شده و راه بازگشت به تعادل و تعامل مسدود می گردد اگر بر سر کوب صاحبان عقیده تاکید شود این سر کوب گرانند که راه به جایی نبرده و از مردم دورتر می شوند. آزادی زندانیان دگراندیش و عقیدتی جامعه را به سوی چند صدملی شدن خواهد برد و از تنش ها خواهد کاست.

مخفی متعددی چون کپریزک ادامه دارد و کار بجایی رسید که پس از کشته شدن تتی چند روزی شکنجه در این مکانها حکم به برچیدن یکی از این مراکز (کپریزک) داده شد و چندی پیش روزنامه ها خبر از محاکمه و محکوم شدن چند نفر در ارتباط با آنچه در این زندان شده است دادند. رفتارهای غیر انسانی و نقض کننده حقوق بشر و حرمت انسانها از سوی زندانیان و اداره کنندگان زندان از صاحبان قدرت که از آنچه می گذرد چه رهای نامبارک در برابر انظار و افکار عمومی مردم جهان تصویر کرده است اصلاح طلبان در دوره در اختیار داشتن ریاست جمهوری به ویژه در دوره اول زیر فشار افکار عمومی متأثر از شرایط جهانی تلاش داشتند تا به جهانبین بنمایند که قانون حاکم است و زمان بی قانونی و خشونت های بسیار آزار دهنده سر آمده و خشونت کم رنگ شده است اما در دوره اول رئیس جمهوری اصول گرایان و ادامه آن با انتخاباتی مهندسی شده و خونین امروزه گذشته گامتن از خشونت در از کن حکومت جایی ندارد حضور سنگین و آشکار نیروهای انتظامی و امنیتی شهرهای بزرگ ایران را به صورت شهرهای اشغال شده توسط نیروهای بیگانه در آورده است. تشکیل دادگاههایی با حضور دهها متهم از کودتا که انگشت برای اقای این نظر که اعتراض به انتخابات اخیر تحمل نمی شود. صدور احکامی که حقوقدانان آنرا متسلب با جریمهای اعلام شده در صورت محبت نمی دانند کوشش برای توب ساری چون سلهای دهه شصت، نشانه دیگری از نبودن تعادل به فسادون گرای و تاوتولی قسوه قضائیه دارد. دادگاههای فرصت مناسی پیدا کرده اند که احکام تعلیقی بسیاری را چون افرادی از مرکزیت ملی مذهبی هابه حکم تعذیری تبدیل و آنان را به زندان برای گذراندن دوران زندان احضار کنند و یکی از افراد آن گروه که در موقع نگارش این مطلب چند روز است پس از خروج از محل کار مظلوم شده است و عده ای بر آند که او را دستگیر و به زندان فرستاده اند اما هنوز مسئولین زندانها این خبر را تایید نکرده اند. مسئولین حکومت از هر گونه اجتماعی ملامت بعمل می آورند به نحوی که اگر حتی یک فرد غیر سیاسی زن، مرد، کودک فرقی نمی کند قوت نماید همراه عزاداران یک نامور ملیس به پوشش بیجی ها تا خاکسپاری حضور دارد تا اگر این عزاداران خیل دیگری نباشند به مأمورین دیگر اطلاع داده و ملامت شوند. حال جمع شدن در مکانی اگر دگراندیشی شناخته شده در میان آنها باشد قسه و حدیثی

از زشهای جهان شمولی چون آزادیهای فردی و اجتماعی، آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی انتخاب محل سکونت در کشور ایران به شدت مورد تهاجم قرار دارد و هر روز بیش از پیش پایمال یک سونگری قدرتمندان حاکم می شود. در هر گوشه جهان هنگامی که مردمی از نادیده گرفتن حقوق اساسی خود به فغان در می آیند و علیه ظلم و استبداد سر بلند می کنند و برای کسب حقوق دست رفته به مبارزه می یازند، نگاههای مردم جهان متوجه ایران می شود. ایران سرزمینی است که حقوق اولیه بشری در آن نادیده گرفته شده و می شود ایران از زندان روزنامه نگاران لقب داده اند ایران را کشوری می دانند که در آن انعام انسان (به نسبت جمعیت) بیشتر از دیگر کشورها جاری است. به یقین انقلاب سال ۱۳۵۷ هنوز پس از سی و دو سال رئیس قوه مجریه بی قانونی را لازم می داند و رسماً می گوید: «نمی توان جامعه انقلابی را با مدل دموکراسی اداره کرد» (به نقل از روزنامه شرق مورخ ۹ مرداد ۱۳۸۹) سه دهه بعد از انقلاب دادگاههای انقلاب هنوز بکار خود ادامه می دهد. چگونه می شود انقلابی سی و دو سال جریان داشته باشد؟ اسل مسئول انقلاب در دوره کین سیاست و با حسرت به انقلاب و هدفهای تحقق نیافته آن چون آزادی نظاره می کنند. راههای نخست سال ۱۳۸۸ توهمی ایجاد شد که پس از سالها حاکمیت برانست تا حقوق ملت را پاس دارد و آزادیهای مردم را در یک انتخابات دموکراسی فراهم سازد. مدتی می خواستند خوشبینانه استبداد تحمیلی به یقین انقلاب را به فراموشی سپارد و با حضور در صحنه انتخابات فرصتی به صاحبان قدرت دهد تا بازگشتی از تحریف حاصل شود. در عا که چنان نشد و بر خوردهای خشونت آمیز رنگ میدراز دلهاشت و در میان بهت و حیرت همگانی ضربه ای سهمگین به ماموران وارد شد و امروز به بعد از گذشت پستال جامعه نتوانسته است از این ضربه وار دستبر بند کند و در حال گذر از این دوران است. شرکت مسالمت آمیز مردم در انتخابات دهها جالبخته و هزاران زندانی داشتند. چندین هزار نفر در کوچه و خیابان و خانه و محل کار با داشت و روانه زندانها شدند. زندانها پر شد و از هر مکانی بدون آنکه شرایط زندان را برابر تعریف آئین نامه های مربوط به زندانها داشته باشد برای نگاهداشتن دستگیر شدگان استفاده شد. بر خوردها بسیار خشونت آمیز در هنگام دستگیری که مردم جهان در فیلمها شاهد آن بودند شنیده شد که این خشونت در بازداشتگاههای

... رقیب نیز چنان محترم نخواهد ماند ...

این نمی دانم دیگر هیچوقت وکیل نشد مرد دیگری را از دست داد حتی مخالفتش را هم درج نکردند پس از یکی دو سال گوش شخصی به نام فرامرز اسلاو چون نشست و روزی در روزنامه ای خواندم که به برورد حیات گفته است شافرون زیر کرانه افلمه می دهد طعم تلخ و استبداد بر پایه تیر و وحشت استوارند کسی که حتی یک روز بر ضد آنها قیام کرده اند مورد خشم و غضب خواهند بود. اگر بعضی ها کاتر رفتند یا حتی به طرفشان بر گشتند حد اکثر مجازاتی کمتر می یابند ولی در هر حال هیچوقت مورد اعتنا قرار نخواهد گرفت. گزین بر نامانین ماجرا لا کودانی ۲۸ مرداد/محمد زاشه پهلوی است. قبل از کودتا و وقایع ۲۵ و ۲۸ مرداد شافرون شاه ایران است سلطنتش مشروعیت دارد حتی حزب توده در جلسات بحث و نقد در نشستات و روزنامه های خود حزب را مشروطه طلب ذکر می کند. زنده یادمندم زیر کرانه از جمله رحبران بلند و صاحب نظر حزب ایران و جبهه ملی ایران در سه شعبه زندگی فردی و اجتماعی مستعد و تفکر و اندیشه علمی است و گفتی است که او در سنین نوجوانی دارای اعتقالات شدید مذهبی بوده است او عاقل ایران و مسائل ایران بود و کلمات جلیب بدایران را از صمیم قلب بیان می کرد. در آرزوهای بسیار در سر داشت یکی از مشخصات آن رهبر گرامی، اعتقاد به حکومت بر پایه سیستم دموکراسی است و همواره تاکید می کند که دموکراسی وقتی کامل است که در جامعه احزاب و انواع عقاید وجود داشته باشد و لاندو کراسی بدون رشد احزاب همان استبداد است. بخش گرامی و روش شادباد علامت من، سیاست ملی را مطالعه کتب پرشهای بی بسخ. دعوت می کنم.

از آنجا که انتشار این شماره پیام جبهه ملی ایران مصادف است با قاجیه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که آثار منی فراوان در سر نوشت ملت ایران بر جای گذاشت. منسوب است که از جمله شخصیت های مطرح در روزهای تلار ک کودتای معروف به سراج شافرون مهندس احمد زور کرانه و یه زنده یاد زیر کرانه در روزهای ۲۵ و ۲۸ مرداد جزء اولین کسانی بود که در بازداشت کودتاچیان قرار گرفت و چگونگی زنده ماندنش از وقایع شدیدی است اما ما به مقلات فراهم ساختن موجبات کودتاچیان می کنیم که هیچ واقعه ای بدون علت انقی نمی افتد. شافرون زیر کرانه در مورد مبارزات سیاسی که اکثری قلیل توجه یابد دست به دست هم دهند و تها به تماشای صحنه های تلاش اکتفا نمایند در کتب هر ششهای بی بسخ در سلهای استثنائی می نویسد: «هر دوره هندهم مقلته بر حوم فرامرز (عبدالرحمن فرامرز) در سرسرای مجلس بر خورد کردم سی عالم به گفته باوشه بوم که روزی من کردم گفت: زیر کرانه ترا به فر خواستند به مهمت آندای فرامرز سی هم چنین سر نوشتی برای خود پیش بینی می کنی. جولی شما آنچه نمی دانید این است که آروزیکه مرابه دار زند شمامه دیگر اقای فرامرز امروز نخواهد بود» فرامرز در آن روزهای یکی از متولیان مجلس به شمل می رفت سابقه و کات مجلس را داشت از مخالفین نهضت (نهضت ملی شدن نفت ایران) بود ولی نیشهایی هم به هیأت حاکمه می زد. قلمی داشت در حملاتش به نهضت فحاشی و نلر گویی نمی کرد شیوایی کلاوه هفت قلمش یافت شده بود که من همیشه با احترام او را بویو شوم سر دیر روزنامه کیهان بود و گاه گاه هم مقالاتی در این روزنامه می نوشت. پس از ۲۸ مرداد به استناد دوره هنده که به طور

واردات سود محور نابود کننده صنعت کشور

برنده وضعیت اضطرابی ناشی از تحریمها و قطع رابطه عادی با دنیا از راه واردات بیش از سیصد میلیارد دلار کالا در پنجسال (با احتساب قاچاقها) باز هم به هر قیمت و هر مقدار و هر کجا بوده است. تاکنیک باند مغایبی برای آزاد گذاری رسمی واردات از یکطرف تبلیغ برای میبها شدن برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و ضرورت حذف موانع واردات یا آزاد سازی تجارت خارجی و از طرف دیگر حذف عملی کلیه دیوار دفاعی صنعت و توسعه صنعتی کشور که قبلا برای چند دهه برپا شده بود بوده است. مقرراتی مانند ضرورت ثبت سفارش، گشایش اعتبار، تعیین نوع خرید (نقدی/اعتباری)، حمایت جهت خرید ممنوع کردن سهمیه بندی، تعیین مقدار واردات بر حسب مقدار و یا ارز/مدان یا ندانن ارز برای واردات و دهها مقررات دیگر که هر یک با هدفی معین و با انتظار تأثیری معین طی دهه ها برقرار شده بود و حداقل تا سال ۱۳۵۲ نتایج بسیار مطلوب ببار آورده بود به بهانه آزاد سازی و آماده شدن برای دامن در خواست عضویت در سازمان تجارت جهانی دروازه های کشور به روی کالاهای بنجل خارجی باز شده در صورتیکه حق صادرات برای ما بعد از عضویت و آنهم در مقابل گرفتن امتیاز مشابه و مساوی از طرف های تجاری کشور میسر است. سیاست بازرگانی بی بند و بار نه تنها منابع ارزی کشور را تضعیف و فرصت های بسیار گرانبهائی را از دست مدیران و صاحبان صنایع گرفته است بلکه به نابودی فرصت های تولید و اشتغال و از دیدگاه درآمد در کلیه بخش ها مخصوصا صنعت و کشاورزی منجر شده است. واردات محصولات صنعتی بسیار پیش پا افتاده و بنجل ایران، مردم ایران و تجار ایرانی را به اسباب مضحکه ای در سطح جهانی تبدیل کرده است مقامی که دو دهه قبل به اعراب حاشیه خلیج فارس تعلق داشت. بعنوان مثال بازی با مقررات و قوانین در شرایط غفلت مجلس پر شده با نمایندگان کم اطلاع، به باند مافیائی بازرگانی داخلی و خارجی اجازه می دهد که در مدتی کوتاه تعرفه ۹۰ درصدی واردات میوه را با تصمیم دولت سود محور، به ۴۰ درصد و سپس به ۴ درصد کاهش دهند و بلافاصله هفته کشتی میوه را در شب عید در بندر پیاده کنند تا به قبول سخن گوین دولت مردم ایران، ضعفا و قرا شب عید در سر سفره خود مصرف دلارهای نفتی را ببینند. اما واقعیت ها سود حداقل چهار صد درصدی است که عاید باند مافیائی میوه شده است. در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۸ حدود ۵۵۰ هزار تن میوه به ارزش ۲۶۰ میلیون دلار (با تعرفه بسیار پایین) وارد کشور شد یعنی یک کیلو میوه کمتر از ششصد تومان هزینه داشت در حالیکه سبب، بر تقال، گلابی و انگور وارداتی از ۲ هزار تا شش هزار تومان بر سر سفره مصرف کننده رسد و با قیمت خرده فروش میوه ۱۶۰ درصد بیش از قیمت مصوب مقاماتی است که ظاهرا وظیفه تنظیم بازار را بر عهده دارند!

از دید بیکاری، رواج فقر، زیاد شدن اعتیاد، افزایش ارتکاب جرائم و پر شدن زندانها حاصل روی کار آورده شدن دولتی است که محور سیاست های آن سود رساندن به باند های مالیاتی صاحب قدرت است به نظر مقامات دولتی تعطیلی صدها کارخانه در سراسر کشور کاملا طبیعی و تابع شرایط عرضه و تقاضا ناشی از امکانات ارزی یک کشور ثروتمند و مردم بی غم است!

در همه دنیا سیاست بازرگانی هر کشور بر محور کمک به رشد اقتصادی، از دید اشتغال و درآمد مردم پایه ریزی می شود و واردات بر حسب کمک به توسعه صنعتی تنظیم و به کمک مقررات پولی و بانکی و ارزی و گمرکی هدایت می شود. سیصد سال پیش انگلستان پیشگام توسعه صنعتی جهان کلبه کسلی را که در امر مهاجرت یک استاد کار نساجی، صدور یک بوم پارچه باقی، صادرات پشم گوسفند انگلیسی دخالت داشتند، حتی کاپیتان کشتی، خدمه و بازرها و واسطه ها را به جرمه نقدی و حبس و حتی قطع دست چپ در ملا، عام در صورت تکرار جرم محکوم می کرد و با تسلط بر دریایا مواد اولیه مرغوب کلبی ها را با کشتی های انگلیسی برای صاحبان و مدیران صنایع وارد می کرد و نتیجه آن شد که در آغاز قرن هیجدهم و جنگ ناپلئون تمام اروپا محتاج کالاهای انگلیسی شد.

در کشور ما از زمان انقلاب ۱۳۵۷ و تسلط باند مافیائی واردات چی و حاکم بر سیستم توزیع مملکت بر وزارت بازرگانی، اتاق بازرگانی، بنیاد ها و نهادهای انقلابی تازه تاسیس، سود جوئی آنها سود هر چه زودتر و بیشتر هدف سیاست بازرگانی کشور شده است. از زمان گروگانگیری آستیده آمیز و ویرانگر ایران که نفع آن عاید برخی از کشورهای حمله شوری سابق و روسیه فعلی شده است و قبل از هر چیز جنگ هشت ساله صدام و دنیای عرب و غرب علیه ایران را به از معاف آورد تحریم اقتصادی ایران بهانه خرید از هر جا به هر مقدار و به هر قیمت و توزیع داخلی توسط وزارت بازرگانی و ایجاد آن مخصوصا کسبه ها، مراکز نیمه و توزیع و مساجد و تعاونی های محل که کنترل و مدیریت همه آنها در اختیار واردات چی های مافیائی و وابستگان آنها در حاکمیت قرار داشت، روش کار رایج شد و تقریبا ۱۲ سال از سیاست بازرگانی هدفمند احیاء کننده صنعت و تولید داخلی اشتغال زا را خبری نبود. شانزده سال دوره حکومت رفسنجائی و خانی (تا سال ۱۳۸۴) و ملی سه برنامه توسعه اقتصادی پنجساله می رفت که ایران رواجی نسبتا عادی با دنیا پیدا کند و عواقب ناگوار گروگان گیری و اثرهای اقتصادی و سیاسی را از چهره اقتصاد خود بشوید. ولی با روی کار آورده شدن دولت جدید از سال ۱۳۸۴ جهت گیریهای جدیدی بر پایه مقابله با دنیا و رجز خوائی باشعراهای بی محتوای عدالتخواهی در داخل و قدرت طلبی در سطح منطقه و حتی جهانی نه تنها روند تعادلی گذشته متوقف گردید بلکه آشفتگی زندگی اقتصادی-اجتماعی و سیاسی ملت با شدت بیشتری ادامه یافت و این سیاستهای خطرناک و ویرانگر امروز تاجایی ادامه یافته است که علاوه بر صدور قطعنامه های مکرر در مراجع مربوطه بین امملی احتمال حمله نظامی به کشور و ویران کردن همه دستاوردهای زیربنایی و صنعتی گذشته دلسوزان ملت ایران را بوجود آورده است.

بزرگترین شانس دولت فعلی بالا رفتن قیمت نفت در سطح جهانی و تقریبا هفت برابر شدن درآمد سالانه نفتی دولت در مقایسه با سال ۱۳۸۰ میباشد. در پنج سال اخیر دولت بیش از سیصد و پنجاه میلیارد دلار درآمد نفتی (سه برابر دوره ۲۷ ساله رژیم سابق) داشته است و باند مالیایی مسلط بر وزارت بازرگانی نهادها و بنیادها و سیستم توزیع و اتاقهای بازرگانی و حتی مراکز خرید دولتی و بازار هانتها

در آموزش علم محدودیت های نژادی، ملی و دینی جائی ندارد

عنوان اجرای انقلاب فرهنگی، هجوم نیروهای نظامی به طور مکرر به دانشگاه و یا خویگاههای دانشجویان، اخراج و بازداشت گسترده دانشجویان نمونه هائی از چگونگی برخورد حاکمیت با دانشگاه است. ولی تهاجم امروز رژیم به رشته های علوم انسانی و غیر اسلامی خواندن آنها تامل برنگیز است. برخی رشته های علوم انسانی مانند جامعه شناسی، فلسفه و حقوق، دانشجویان و دانش پژوهان را با مبانی دموکراسی و حقوق ملت ها و حقوق بشر در جهان امروز آشنا می سازد و این همان نکته است که این علوم را از نظر حاکمیت جمهوری اسلامی نامطلوب و غیر مفید و غیرسی تعبیر میکنند. ولی بر واضح است که امروز علوم مختلف از جمله علوم انسانی جهانشمول بوده و هیچ انگ و برچسبی نباید دانش پژوهان این مرز و بوم را از آموختن علوم انسانی متعارف در جهان محروم نماید هر چند برای کشوری که توسعه نیافته ممکن است پیشرفت در علوم تجربی و علوم ریاضی بیشتر مورد نیاز باشد ولی آگاهی به علوم انسانی همانند سایر علوم برای نسل امروز و نسل های آینده کشور ضروری غیر قابل انکار است.

امروز علوم انسانی، علوم تجربی، علوم ریاضی و سایر علوم و فروع هنر ها جنبه فرامی ملی داشته و همه آنها فراگرفتنی برای تمام انسانها در تمام جوامع بشری است امروز به هر کت پیشرفت علوم و دانش بشری، انتشار علوم و اطلاعات نیز به نحوی بازر نگرانی تسهیل گشته و در کمترین زمان مرزهای جغرافیائی را در هم نوردیده و بسیاری همگان قابل دسترسی می باشند و اگر در زمینه علوم مختلف حرفی برای گفتن وجود داشته باشد صرف نظر از ملیت و دین عرضه کننده آن نظریه به سرعت در جهان منتشر می شود و مورد نقد و بررسی و تحلیل قرار می گیرد و در جاده تکامل حرکت می کند. در جهان امروز در علم و دانش هیچگونه محدودیت نژادی، ملی و دینی پذیرفتنی نبوده و قابل طرح نیست، چگونه است که در این عصر و زمان حاکمان جمهوری اسلامی به تهاجم به رشته های علوم انسانی در دانشگاه ها پرداخته و از محدود کردن و تعطیل کردن این رشته ها سخن می گویند و این علوم را منبعث از لادیشه های غربی و غیر اسلامی تعریف می کنند. این حقیقتی است که حاکمان جمهوری اسلامی از آغاز نسبت به دانشگاه با دید سوء ظن و تردید نگریسته و نگاهی غیر دوستانه به آن داشته اند. انتخاب صحن دانشگاه برای اقامه نماز جمعه، تصفیه و اخراج گروه گروه استادان مجرب و ارز شمند که از اول انقلاب تا کنون ادامه دارد، تعطیل کردن دانشگاه بلافاصله بعد از انقلاب تحت

«علم» نمره مقدس و محصول ارزشمند هزاران سال تفکر، تلاش و کوشش نوع بشر در روی کره خاک است.»

«علم» میوه درخت حیات انسان روی سیاره زمین است که با حذف و نادیده انگاشتن آن شجره زندگی بشر شاخه بی بار و بیری بیش نیست.

«علم» مشعل روشنگری است که کوره راههای تنگ و تاریک جهالت و نادانی و بدویت را در پیش پای انسانها روشن و پیمودنی ساخته و طی قرون و اعصار هر روز فزونی و درخشش آن افزون تر گشته است.

«علم» همان بالیست که بشر را به پرواز در آسمان ترقی و سعادت و رفاه رهنمون گشته است.

علم و دانش در هر زمان و در هر گوشه ای از کره زمین توسط هر دانشمند و متفکری که عرضه شود موهبتیست متعلق به همه انسانها و همه جوامع بشری با هر ملیت و هر دین و آئینی که داشته باشند.

این حقیقتی است که علوم و دانش های مختلف از تمدن های کهن تر بشری آغاز شده اند اما در تکامل و پرورش تدریجی آنها همه جوامع بشری در حد خود و کم و بیش مشارکت داشته اند و آنچه امروز به دست آمده علم و دانش نوع بشر است و متعلق به همه انسانهاست.

درخت تو گو بار دانش برآرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

مقابله با تروریسم کور به بر خورد ریشه ای نیاز دارد

دیگر اقلیت‌های غیر رسمی نیز می‌شود بخصوص بار در نظر گرفتن این واقعیت که بیش از ۵ میلیون از شهروندان مرزنشین در بخش‌هایی از شرق و غرب کشور همراه با هموطنان طلاق و ترکمن متصف به مذهب تسنن می‌باشند.

به همین جهت امروزه بسیاری از کشورهای پرتو تحولات و ضروریات پیش آمده و ارزشهای جهانشمول روز و معاهدات بین المللی ناشی از آن تصاف به مذهب رسمی را از قانون اساسی خود حذف نموده‌اند و برخی از لحاظ کارکردی در مقام تعدیل ارزشها و با توقف آن بر آمده‌اند گذشته از بسیاری از کشورهای غربی به ویژه جوامع کاتولیک، برخی از جوامع اسلامی نیز در همین راستا گام برداشته‌اند و اقلیت‌های قومی، مذهبی و غیره نیز همانند سایر شهروندان در ساختار مدیریتی بالای کشور مشارکت پیدا کرده‌اند و بدین ترتیب علائق، تعلقات و تعصبات محلی، قومی و ارزشی جای خود را به علائق و ارزشهای ملی داده‌است.

جبهه ملی ایران ضمن آنکه پدیده تروریسم به ویژه تروریسم کور را در هر شکل و به هر دلیل قویا محکوم می‌نماید ولی برخورد ریشه‌ای با مبانی این معضل اجتماعی - سیاسی رانه تنها برای حفظ و یکپارچگی و وحدت تاریخی و ملی جامعه ضروری می‌داند، بلکه تحقق آن فنا و بویایی بیشتری به فرهنگ مشترک و تاریخی خواهد بخشید و جامعه را با تحولات سریع جهانی و ارزشهای جهانشمول آن هم سو و همراه می‌سازد.

به همین جهت همانند همه ایرلین و اسرائیل از راهزنی‌ها و آلودگی‌ها و خونبار بلوچستان را شدیداً محکوم و خود را در غیو و آلوده بازماندگان این حادثه شوم و تلخناک شریک می‌داند ولی در عین حال نمی‌توان در سوء تعبیر در افتاد روش‌های مجزایه از یک سو و عدم درک ضرورت تبدیل مانع به وسیله را برای حل معضل اجتماعی پیش آمده در رابطه با رویدادهایی از این قبیل از سوی دیگر نادیده گرفت.

دارد هر آن ممکن است در کنار رخدادهای شرایط تنش آفرین جدی به صورت بحران باقی‌ماند و بر آمده و جامعه را گذشته از دیگر گونه‌های داخلی با تعارضات خارجی روبرو سازد. در بروز چنین رویدادهایی کشورهای همسایه به ویژه آلهلی که قرابت مذهبی و زبانی با ساکنان مرزی کشور بحران زده دارند بر آن می‌شوند از حوادث پیش آمده در مقام بهره جویی برآیند و به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در تشدید آن نقش آفرین باشند. گویانکه ممکن است خود این همسایگان با مشکلاتی بس خطیر داخلی روبرو باشند با این حال در بهره جویی از بحران پیش آمده کوشا خواهند بود. در همین راستا نیز ممکن است برخی از قدرتهای فرامنطقه‌ای در مقام استفاده بسزایی از بحران پدیدار شده برآیند. مثلاً آنکه نهادهای بین المللی ذریعته نیز به استناد نقض فاحش حقوق اقلیت‌ها و غیره خود را در فرآیند بحران ذی‌مدخل دانسته و بر همین اساس موضع گیری نمایند.

گویانکه انجام اقداماتی مانند اتخاذ سیاستهای تدبیری، تبیینی و سخت‌افزاری برای رفع معضلات اجتماعی - سیاسی مورد بحث ممکن است در کوتاه مدت و به صورت مقطعی کار ساز باشد، ولی حلال واقعی این تقیصه‌ها و مشکلات ساختاری اجتماعی - سیاسی نخواهد بود، بلکه مصالح و منافع عمومی و بقای مملکت و ملت ایجاب می‌نماید که برخورد ریشه‌ای از طریق زدودن مبانی این تفرق، جدایی و تفرقه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انجام گیرد. گذشته از تفاوتها و تفرقه‌های اقتصادی و اجتماعی، یکی از مهمترین مبانی این اختلاف همانا تبعیضات فاحش مذهبی است. به ویژه وقتی مذهب اکثریت به عنوان دین رسمی در نظر گرفته شود، بی شک فرآیندهای تبعیض آمیز در پی خواهد داشت و بخش قابل توجهی از شهروندان متصف به مذاهب غیر رسمی از مشارکت مؤثر در اداره عمومی جامعه و کسب مسئولیتهای خطیر در سطوح و مراتب مدیریت جامعه محروم هستند. در جامعه مذ این محدودیتها و محرومیت‌ها تنها ناظر بر شهروندان ایرانی متصف به اقلیت دینی مانند زرتشتیان، یهودیان و مسیحی‌ها نیست، بلکه شامل مذاهب و فرق اسلامی چون سنی، شیعیان زیدی، اسمعیلی، اهل الحق و

در شرایطی که سیاست خارجی با نابسامانیهای جدی روبروست بحران اجتماعی و سیاسی همچنان فرآیندهای تفرق را و خشونت بار خود را در پی دارد. تنگناهای اقتصادی اثرات ریزش خود را آشکار تر می‌سازد و بالاخره بر خوردهای گزینشی و سخت‌افزاری با بخشی از شهروندان و هموطنان مرزنشین غافل از تبعات زیانبار آن از جمله رخدادهای بار و خونبار آخر در جنوب شرقی کشور همه و همه هشدار دهنده پیامدهای نگران کننده ایست که بسزائی به بازتابی و از خود انتقادی جدی در رابطه با سیاستهای متخذه داخلی و خارجی روز را می‌طلبد. به ویژه در رابطه با واقعه بلوچستان ضرورت نقد از خود بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. زیرا امروزه واقع بینان و آگاهان به ارزشهای جهانشمول نیک می‌دانند در جوامعی که متشکل از اقوام، تیره‌ها و مذاهب متنوع هستند، حفظ وحدت و یکپارچگی ملی و همچنین خیر و مصلحت عمومی ایجاب می‌نماید که ساختار سیاسی - اجتماعی و خط مشی نظام حاکمه عالی از هر گونه تبعیضات دینی و مذهبی، تفرقه‌های اقتصادی - اجتماعی و محدودیتهای سیاسی باشد. به دیگر سخن نمایی شهروندان متصف به هر اعتقاد، عقیده، یاور و مذهب همانطوریکه در قبایل قانون برآیند، می‌بایست از فرصت‌ها و امکانات یکسان نیز بهره مند شوند و برای همگان امکان مشارکت در اداره امور عمومی جامعه و احراز مناصب و مسئولیت در هر سطح و مرتبت اجتماعی و سیاسی وجود داشته باشد.

بدیهی است وقتی جامعه‌ای دچار تبعیضات و تفرقه‌ها در سطوح مختلف اجتماعی از جمله بین هموطنان متعلق مرزنشین و درونی کشور بوده و در رفع مبانی این تفرقه‌ها تفاوت باشد، حاکی از بی توجهی نظام حاکم بر اقلیتهای مسئولیت‌های تاریخی، ملی و انسانی است و از سوی دیگر تفرقه‌ها با تبعیضات بین المللی و از جمله حقوق بشر و آزادیهای اساسی بدون هر گونه تبعیض از لحاظ جنس، زبان، رنگ، عقیده، نژاد و مذهب می‌باشد.

بی شک این مشکلات و معضلات اجتماعی - سیاسی که به صورت بحران باقی‌ماند و در عین حال خطه و فتنه در ساختار جامعه وجود

هدیه جمهوری اسلامی به عراق

در خبرها آمده بود که هفتمین مدرسه از دوازده مدرسه اهدائی جمهوری اسلامی به عراق به مقام های این کشور تحویل داده شد این در حالیست که ایران از کمبود مدرسه و محدودیت های فضاهای آموزشی به شدت رنج می برد و در بعضی از مناطق کشور در اثر تنگنا و مضیق شده کلاس های درسی از مدرسه ها حتی در ۳ نوبت در روز استفاده می شود و کلاس ها گنجایش لازم برای نشستن فرزندان این ملت را ندارد. این هدیه جمهوری اسلامی به عراق در شرایطی صورت می گیرد که هنوز صدها هزار خانواده ایرانی عزادار فرزندان برومند این سرزمین هستند که در دفاع از کشور در مقابل تجاوز عراق به این سرزمین و در آغاز کردن جنگ ۸ ساله با ایران جان خود را نثار کرده اند. این هدیه جمهوری اسلامی به عراق در حالی صورت می گیرد که عراق بعنوان آغازگر جنگ بنا بر مستندات و دلایل متقن میلیاردها دلار بابت غرامت جنگ به ایران بدهکار است و متأسفانه اکنون که بیست و دو سال از

ملت ایران و نیروهای ملی مذهبی و همچنین شخصیت های ادبی و فرهنگی شرکت داشتند در این مراسم چندین سخنرانی در تبیین شخصیت سیاسی، ادبی و فرهنگی استاد ادیب برومند و سوابق مبارزات آزادیخواهانه و میهن دوستانه ایشان در حزب ایران و جبهه ملی ایران صورت گرفت و هدایایی از طرف حاضران و لوح تهیه شده از طرف شورای مرکزی به ایشان تقدیم گردید.

پایان جنگ گذشته هنوز حاکمیت جمهوری اسلامی برای وصول مطالبات عظیم ایران که مقامات جمهوری اسلامی تا هزار میلیارد دلار از آن نام برده اند هیچگونه اقدام جدی بعمل نیاورده است و در این مورد نیز مثل بسیاری از موارد دیگر منافع ملی ایران قربانی سوء سیاست ها و دیدگاه های سیاسی نادرست حاکمان جمهوری اسلامی می گردد.

بزرگداشت استاد ادیب برومند

در روز جمعه ۸۹/۳/۲۸ به استکار سازمان دانش اموختگان جبهه ملی ایران مراسم بزرگداشت و تجلیل از آقای ادیب برومند با سابقه ترین عضو شورای مرکزی جبهه ملی در منزل ایشان برگزار گردید این مراسم به مناسبت هشتاد و ششمین سالروز تولد آقای عبدالعلی ادیب برومند رئیس شورای مرکزی و هیئت رهبری جبهه ملی ایران بر پا گردید که در آن علاوه بر جوانان بسیاری از شخصیت های سیاسی جبهه ملی، حزب

تجربه ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
www.jebhemelliran.org
E-mail: bejmi85@yahoo.com